

جستاری بر نظریه‌های حقوق شهروندی در معماری شهری ایران

قدرت زارع اندریان- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حسین ذبیحی* - دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سعید کاردار- گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

An Investigation of Citizen Rights Theories in Urban Architecture of Iran

Abstract

One of the important social, political and legal components of the modern state in the contemporary world is the status and "rights of citizens". In the political and legal literature of the modern state in the contemporary world, the rights and privileges of citizens and citizens are of particular importance. A historical look at the evolution and evolution of citizenship rights in human societies has long been part of the evolution of this concept. On the other hand, today, citizens' awareness of the rights of mercenaries on the one hand and the awareness of planners and architects of citizens' rights are among the factors influencing the urban planning process. This article has been studied in this paper. The research method of this research, based on its explanatory nature, is a descriptive-analytical method and a meta-analysis method that analyzes the views on citizenship rights. Finally, the status of civil rights in urban planning law has been explained and a few points have been made in this regard.

Key words: Citizenship, Citizenship, Citizenship Rights Theories, Urban Planning System

چکیده

یکی از مولفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و «حقوق شهروندان» است. در ادبیات سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، حقوق و امتیازات اتباع و شهروندان از اهمیت خاصی برخوردار است. نگاهی تاریخی به روند تحول و تطور حقوق شهروندی در جوامع بشری از دیرباز تاکنون سیر تحول این مفهوم را تا حدودی تبیین می‌نماید. از سوی دیگر، امر و زده آگاهی شهر و ندان از حقوق مکتبه از یک سو و آگاهی برنامه‌ریزان و معماران از حقوق شهروندان، از مولفه‌های تاثیرگذار بر فرآیند برنامه‌ریزی معماری شهری است که در این مقاله این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق این پژوهش بنابر ماهیت تبیینی آن، روش توصیفی- تحلیلی و روش فراتحلیل است که به بررسی نظریات مربوط به حقوق شهروندی معطوف شده است. در پایان نیز جایگاه حقوق شهروندی در حقوق شهرسازی تبیین شده و نکاتی چند در این مورد بیان شده است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، شهروند، نظریه‌های حقوق شهروندی، نظام شهرسازی.

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۹۳۷۵۲۰؛ رایانه‌ای: h.zabihi@srbiau.ac.ir

این مقاله از رساله دکتری آقای قدرت زارع اندریان با عنوان «تبیین ابعاد حقوق شهروندی در معماری شهری ایران» استخراج شده است که مراتب سپاس خویش را از معاونت پژوهشی دانشگاه اعلام می‌دارد.

مقدمه

وظایف و تعهداتش راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع، مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد. شهروندی فعال در پی توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرایند مشارکت را امری ذاتاً ارزشمند تلقی می‌کند. از این‌رو، شهروندی فعال چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی است. شهروندی فعال خواهان مشارکت هدفمند است، یعنی شهروندان در جهت تبدیل اجتماعی و محل زندگی به مکان بهتری مشارکت فعال داشته باشند (غفاری نسب، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹). از حقوق شهروندی تعاریف مختلفی ارائه شده است. حقوق شهروندی به ویژه در بعد سیاسی اش مشارکت برای سازمان‌دهی اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند، شامل مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که به روابط اجتماعی شکل می‌دهد. نگاه بشر به وضعیت حقوق شهروندی به لحاظ نظری و عملی به دوران باستان (یونان و روم) بر می‌گردد. اما تحول اساسی این مقوله در رشد و توسعه آن از دوران جدید آغاز شده و طی چندین دهه افزایش یافته است. اینک، حقوق شهروندی در مالک پیش‌رفته، دوران نهادینگی خود را طی نموده یا در حال طی کردن است. در حالیکه حقوق شهروندی در کشورهای در حال توسعه، مفهومی نو محسوب می‌شود. حقوق انسانی و اجتماعی شهروندان هر جامعه، یک موهبت الهی فرض می‌شود که نباید مورد سودجویی حکمرانان قرار گیرد (بیرونی، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

در این مقاله به مفهوم حقوق شهروندی و نظریه‌های حقوق شهروندی به اختصار پرداخته و واشکافی مفهومی و عملیاتی آن به تفصیل برای درک جایگاه آن در نظام

باگسترش شهرنشینی و مهاجرت به شهر، از دیاد جمعیت شهری در مناطق مختلف، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت، مفاهیمی چون «شهروندی و حقوق شهروندی» تولد یافتند و صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند، به طوری که «مفهوم شهروندی اگرچه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مساله دارد است. یونگ استدلآل می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت» یعنی حالتی که زندگی به صورت منزوی، فقیرانه، به‌دور از پاکیزگی و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این‌رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. همچنین لازمه حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است، که این مقولات جزء پایه‌های اساسی و دوام شهری می‌باشند، و همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربردهای شهری سعی کنند، تعادل لازم را بوجود آورند؛ پس این نکته اساسی که در تبیین بعد فرهنگ شهری باید اشاره شود این است که «نمی‌توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهری و دولت بررسی کرد، همان طور که فالکس می‌گوید، شهروندی یک مفهوم پویاست، که برای تأمین واقعی اش باید به فراسوی دولت بسط یابد و فرهنگ رادر بررسی آن مورد توجه قرار داد» (فاضلی، ۱۳۸۶، ص ۲). امروز، شهروندی پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است.

شهروندی توانایی افراد را برای قضایت درباره زندگی شان صدق می‌کند. بنابراین، ویژگی اساسی شهروندی وجود اخلاق مشارکت است. شهروندی یک موقعیت فعال است که علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد؛ بنابراین، شهروندی یک مبنای عالی برای اداره امور انسانی به شمار می‌رود. شهروندی به مدد مجموعه حقوق، (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹، ص ۳۸).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

شهرسازی مورد اشاره قرار می‌کیرد.

مواد و روشها

از انجه که ماهیت این تحقیق، در مرحله اول «تبیینی» است، روش تحقیق مقاله حاضر، روش «توصیفی- تحلیلی» است که از ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. همچنین روش تحلیل محظوا برای واشکافی ابعاد مفهوم حقوق شهری در اسناد و مدارک مورد توجه بوده است.

مبانی نظری

شهری

ص ۱۲۵). «سی و قیاس» ای است لاتین به معنای شهری و چیزی در حد تبیین کننده حقوق مدنی و سیاسی کسی که در کشور- شهر زندگی کرده است. این واژه به مفهوم گروهی متعدد از مردم که سازمان سیاسی جامعه خود را به وجود آورده‌اند نیز آمده است. در فرهنگ جامعه‌شناسی، شهری و مدنی مترادف است که موجبات برخورداری از حقوق و قدرت‌هارا فراهم می‌کند (کرابی، ۱۳۶۷، ص ۶۵). در فرهنگ علوم سیاسی، شهری و مدنی کسی است که از حقوق و امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور استفاده کند و در فرهنگ حقوقی نیز شهری و مدنی ناظر است بر اهل، تبعه و عضو یک جامعه سیاسی که به طور جمعی تابع دولت واحدی هستند (آقایی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۷)؛ به عبارتی دقیق‌تر شهری و مدنی یک وضعیت حقوقی است که به موجب آن یک فرد، هم امتیازات و هم مسئولیت‌های عضویت کامل در جامعه یک کشور را دارا می‌شود (پستا، ۱۳۷۵، ص ۳۶۸). از نظر ارسطو شهری و مدنی کامل را نمی‌توان بهتر از امکان مشارکت او در امر قضا و اشتغال به مقامات قضایی و بالا توصیف کرد. شهروندان کسانی هستند که شریک در قدرت شریک‌اند. بدینسان بهترین تعریف قابل انطباق به همه اشخاصی که شهری و مدنی می‌شوند همین خواهد بود (ماری‌گای، ۱۳۸۸، ص ۵۲). به نظر مارشال شهری و مدنی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماعی هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند. مارشال حقوق شهری و مدنی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند: حقوق قانون مدنی (مانند: مبتنی بر آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق بهره مندی از عدالت)، حقوق سیاسی (از قبیل: حق رای، حق شرکت در انتخابات) و حقوق اجتماعی از جمله: حق بهره مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، خدمات مدنی و اجتماعی (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

أنواع شهری

امروزه، از ۶ نوع شهری و مدنی شهروندی یاد می‌شود که عبارتند از: شهری و مدنی سیاسی؛ شهری و مدنی اجتماعی؛ شهری و مدنی اقتصادی؛ شهری و مدنی قومی- فرهنگی؛ شهری و مدنی جنسیتی (محصول مبارزات زنان و جنسیتی اجتماعی

«شهری و مدنی»^۱ از واژه یونانی «سيويتاس»^۲ مشتق است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه «پولیس»^۳ در زبان یونانی است. پولیس یا شهر، تنها مجتمعی از ساکنان نیست، بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می‌آید. شهری و مدنی کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره عمومی در محدوده شهر دارد (پلبو، ۱۳۷۰، ص ۱). ظاهرًاً اولین فرهنگ فارسی به فارسی کلمه شهری و مدنی را این چنین تعریف کرده است کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (عمید، ۱۳۶۳). در دانشنامه سیاسی، شهری و مدنی، فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی به عهده دارد. این رابطه را شهری و مدنی گویند (کامیار، ۱۳۸۷، ص ۳۸). از نظر لغوی، شهری و مدنی معنای کسی است که اهل شهر یا کشور بوده و از حقوق موجود به آن برخوردار می‌باشد. امروزه شهری و مدنی با تابعیت قرین شده است (کامیار، ۱۳۸۲، ص ۲۶). تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (آذرداد، ۱۳۸۹، ص ۱۲). در دانشنامه سیاسی شهری و مدنی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر با دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد (کامیار، ۱۳۸۹، ص ۳۸). فرهنگ فارسی امروز شهری و مدنی را چنین تعریف کرده است: کسی که اهل یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (صدرافشار، ۱۳۷۳،

همکاری آمده است. مشارکت متاثر از یک نوع خاص از فلسفه اجتماعی و سیاسی نسبت به جوامع انسانی و نظامهای سیاسی است. این نقش متنضم سطح بالایی از آگاهی درباره سیاست و طرز کار آن می‌باشد. از شهروند انتظار می‌رود درباره ماهیت سیاست آگاهی کامل داشته، اخبار آن را پیگیری کند و آگاهی خویش را بالا برده و با دیدی انتقادی به واقعیات نگاه کند. دوم، افراد در چنین جامعه‌ای موظفند جهت گیری‌های سیاسی را مورد قضاوت قرار داده و توانایی نفوذ و تأثیر بر تصمیمات دولتی را در خود ارتقاء دهند. این مهم بدون داشتن احساس اثر بر روی رهبران سیاسی و اطیمان اعمیق به موسسات و قوانین دولتی و به طور کلی همان اصول پایه‌ای دموکراسی امکان پذیر نمی‌باشد.

۵. شهروند جهانی و حقوق جهان‌شمول؛ مسئله اساسی در این واقعیت نهفته است که در سده ۲۱م، حقوق انسانی جهان‌شمول در موارد مشخصی با قالبهای سیاسی موجود در تضاد قرار می‌گیرد. مسئله تعلق حقوق به گروه و نه فرد، آن هم گروههای خاص، دقیقاً محور اصلی تضاد یادشده است. بحثهایی چون حقوق چندقومی و چندفرهنگی، حقوق متفاوت بودن، حقوق مرتبط با سبک زندگی، جنبشهای اجتماعی و حفاظت از محیط زیست و مشارکت در تمام زمینه‌ها در قالب مشارکت فعال از آن جمله‌اند. برخی از حقوق یادشده نیازمند برخورداری از صفات اجرایی در سطح جهانی است و این نقطه محوری تضادی است که به آن اشاره شد. در نتیجه، حداقل از برخی جهات، شهروندی جهانی و حقوق جهان‌شمول انسانی با مفهوم رایج شهروندی در تضاد قرار می‌گیرد.

دموکراسی از واژه‌ی یونانی «دموکراتیا»^۱ گرفته شده است که خود ترکیبی از «دموس»^۲ به معنی مردم و «کراتین»^۳ یعنی حکومت کردن می‌باشد. به این ترتیب دموکراسی یعنی «حکومت مردم بر مردم» یا «حکومت به وسیله مردم» که در فارسی معادل آن «مردم‌سالاری» است. مهمترین و متدالوی ترین نظریات جدید دموکراسی از نیمه قرن بیستم به بعد در جدول زیر ارائه شده است.

1. Demokratia
2. Demos
3. Kratein

از جمله جنبشهای فینیستی)؛ و بالاخره، شهروندی جهانی. لذا، انواع شهروند عبارتند از:

۱. شهروند شخصاً مسؤول؛ شهروند شخصاً مسؤول، در جامعه به طور فردی فعالیت می‌کند. برخی از نمونه‌های رفتاری چنین افرادی عبارت است از: جمع زباله‌ها و تلاش برای تمیزی محیط زندگی، فداکاری و ایثارگری و شهادت طلبی، کسب آگاهی و داوطلبانه ارادی دین کردن. شهروند شخصاً مسؤول کار می‌کند و مالیات خود را می‌پردازد، او از قوانین پیروی می‌کند و همچنین به افرادی که در شرایط بحرانی مانند سیل و زلزله گرفتار آمده‌اند، کمک می‌نماید. شهروند شخصاً مسؤول فردی است که داوطلبانه به دیگران (نیازمندان) کمک می‌کند و رفتارهای خیرخواهانه دارد (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸، ص ۲۴).
۲. شهروند مشارکتی؛ این نوع از شهروندان، کسانی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند. طرفداران شهروندی مشارکت جو استدلال می‌کنند که مشارکت مدنی فراتر از مشکلات با فرصت خاص در جامعه می‌باشد. شهروند مشارکت جو، همچنین ارتباطات، ادراکات مشترک، اعتماد و تعهدات جمعی را توسعه می‌دهد (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸، ص ۲۴).
۳. شهروند عدالت محور؛ طرفداران شهروند عدالت محور، تحلیل‌هایی را ارایه می‌دهند که توجه آشکاری را نسبت به موضوعات بی‌عدالتی و همچنین نسبت به پیگیری نمودن عدالت اجتماعی ارایه می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، شهروندان عدالت محور به طور منتقدانه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده و استراتژی‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند که ماهیت جمعی داشته و با بی‌عدالتی مخالفت می‌کند و دلایل اصلی مشکلات را نشان می‌دهد (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸، ص ۲۴).
۴. شهروند دموکراتیک؛ جامعه دموکراتیک نیازمند شخصیت دموکراتیک است و میان آن دور روابط متقابلی وجود دارد. بر همین اساس، مفهوم شهروندی با حق و سهم بری در قدرت سیاسی، دموکراسی و مشارکت درآمیخته است. مشارکت از جمله به معنای درگیر شدن، سهیم شدن و

جدول ۱. مهترین و متداول ترین نظریات جدید دموکراسی از نیمه قرن بیستم به بعد

نظریه‌ها	نوع دموکراسی	توضیحات
ژوزف شومپیر	دموکراسی نخبه‌گرا	مدل دموکراسی رقابتی یا نخبه‌گرایانه شومپیر بیانگر اینست که وی اساساً دموکراسی را روشی می‌داند برای گزینش سیاستمداران و یا به سخن دقیق تر شیوه‌ای برای تصمیم‌گیری به وسیله رهبرانی است که قدرت خود را از طریق رقابت برای آرای مردم به دست می‌آورند.
رابرت دال	کثرت گرایی یا پولیارشی	دموکراسی کثرت گرایی بر این اصول استوار است: تعدد منابع قدرت و گروه‌ها - نظام انتخاباتی رقابتی - عدم مطلوبیت مشارکت سیاسی گسترده
رابرت نویزیک و فردیک فون هایک	دموکراسی راست جدید دموکراسی قانونی	آنان زندگی سیاسی را مانند زندگی اقتصادی، برآزادی یا ابتكار فردی استوار می‌دانند. هایک دموکراسی را آموزه‌ای درباره روش تعیین آنچه باید قانونی باشد تعریف می‌کند و آن را به خودی خود هدف نمی‌داند. بلکه دموکراسی را ابزاری سودجویانه برای کمک به تأمین والاترین هدف سیاسی یعنی آزادی به شمار می‌آورد
پولانزاس	دموکراسی مشارکتی یا چپ جدید	مشارکت فعال و مستقیم مردم در تصمیمات سیاسی را جانشین نقش دولت کند، اما به علت عملی نبودن این امر، بر این باور است که دولت باید از راه انتخابات عمومی و آزادی نامحدود مطبوعات و افکار کنترل شود.
کارل پوپر	دموکراسی بازدارنده	دموکراسی‌ها در نگاه او حاکمیت عامه نیست، بلکه نهادهای تجهیز شده‌ای هستند که خود را از خطر دیکتاتوری حفظ می‌کنند. دموکراسی با اصل عمومی حاکم بر اندیشه او یعنی باز بودن جهان و غیر قطعی و ناتمام بودن همه حقایق نسبتی اساسی دارد
ارنستو لاکلانو شنتال موفه	دموکراسی رادیکال	برای ایجاد یک جامعه سیاسی مساوات گرا و دموکراتیک نیاز به رادیکال شدن دموکراسی لیبرال است و تنها راه تضمین کثرت گرایی در مقابل توتالیتاریسم، رادیکال شدن دموکراسی لیبرال می‌باشد.
دیوید هلد	دموکراسی جهان وطنی	حقوق دموکراتیک شهروندان باید در قوانین اساسی ملی و بین‌المللی تعجیم یابند و پیشنهاد می‌کند برای ایجاد حداقل پاسخگویی و تأمین منافع شهروندان در موضوعات جهانی خاص باید یک قدرت منطقه‌ای نیز برای تصمیم‌گیری بومی ایجاد شود.
یورگن هابرمان	دموکراسی مشورتی	هابرمان دموکراسی را حاکمیت مردم بر اساس ارتباطات آزاد و مبتنی بر بحث و تبادل نظر و معاشرت و انجمان می‌داند و منظور از دموکراسی مشورتی همان حاکمیت مردم بر اساس تبادل نظر مبتنی بر اصول اخلاقی و اجماع عقلانی است. مدل دموکراسی هابرمان مبتنی بر این اصول می‌باشد؛ وضعیت کلامی ایده‌آل و اخلاق گفتگو - تبادل نظر دموکراتیک - حاکمیت قانون اساسی.
ساموئل هاتینگتون	موج سوم دموکراسی و گذار به دموکراسی	علل دموکراسی شدن در هر جا و در هر زمان کاملاً متفاوت است و هیچ عامل واحدی برای تبیین و تشریح تحولات دموکراسی در همه کشورها یا در یک کشور خاص کافی نیست.

شهروندی

فرهنگ شهروندی متأثر از مفهوم فرهنگ و شهروند در طول تاریخ بوده است. در دیدگاه متقدمین مفهوم شهروندی در جایگاه قانونی و با تبعیت مردم از دولت بار

و صرفاً تعبیری حقوقی ندارد (کاستلز و دیویدسون^۱، ۱۳۸۲). شدت توجه به مفهوم شهروندی امروزه به حدی

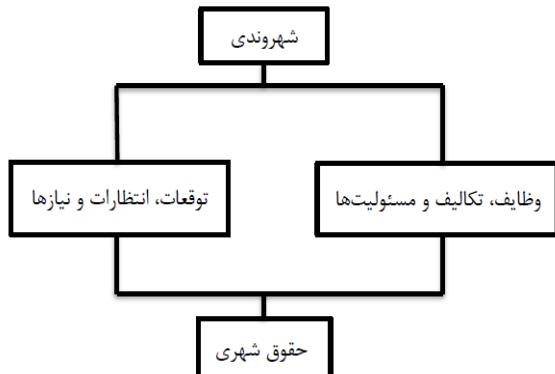
1. Casteless & Davidson

است که نه تنها جایگاه قانونی و حقوق شهروندی بدون هیچ محدودیتی مطالبه می‌شود بلکه مفهوم شهروندی مفهومی چندبعدی پیدا کرده است. «تیاج مارشال» شهروندی را به سه بخش تقسیم می‌کند، اما تحلیل در این مورد ارتباط مستقیمی با تاریخ دارد و این سه بخش را اجتماعی، سیاسی و مدنی نامگذاری می‌کند. عنصر مدنی شامل حقوق ضروری برای آزادی شخصی، آزادی بیان و فکر و اعتقاد، حق داشتن مالکیت شخصی، منعقد کردن قراردادهای معابر و حق دادگستری می‌شود. منظور مارشال از عنصر سیاسی حق مشارکت در قدرت سیاسی است. هر فرد مانند یک عنصر از بدن است که با یک رأی در نهادهایی مثل مجلس قانونگذاری، شوراهای محلی و دولت شریک می‌شود. در عنصر اجتماعی منظور مارشال یک گستره کامل از حق قسمت کوچکی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق سهیم بودن در میراث اجتماعی و طبق استانداردهای عمومی جامعه شهری زندگی کردن است (رسولی و زنده‌بودی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). در عصر حاضر شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترها اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌هد؛ بر این اساس «به طور کلی شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسه حقوق متقابل «دولت بر مردم و مردم بر دولت» و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است» (حاملی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸).

با نگاهی به ادبیات گسترده نظریه‌های شهروندی می‌توان دریافت که این تعاریف هسته‌های مشترکی دارند. نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیتها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، استعاری و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزايا، منابع و امتيازات اجتماعي، اقتصادي، سياسي، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتي، نژادي، مذهبی و قومي (لطفي و همكاران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴). شهروندی

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی بر ابتدائي ترين و اساسی ترين حقوق شهروندان دلالت دارد و در اين مفهوم مقيد به مرازهای جغرافيايی يك كشور می‌باشد و نسبت نزديکی با مقوله تابعیت دارد و كسانی را که در شمال اين تابعیت قرار نگرفته باشند را در بر نمی‌گيرد. در واقع حقوق شهروندی مجموعه‌اي از حقوق و تکاليف است که يك شهروند به دليل سکونت در يك كشور از آن برخوردار است. يك شهروند يك عضور رسمي يك شهر، ایالت یا کشور است. اين ديدگاه، حقوق و مسئولیت‌هاي را به شهروند ياد آور می‌شود که در قانون پيش بینی و تدوين شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط



نمودار ۱. ارتباط شهروندی و حقوق شهری؛ مأخذ: نگارنده.

گردیده است (پژوهنده، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲).

بنابراین مطابق با این دیدگاه، حقوق شهروندی مجموعه‌ی حقوق و تکالیفی است که یک شهروند به دلیل سکونت و عضویت در کشور از آن‌ها برخوردار است. در مورد جایگاه حقوق شهروندی در میان سایر حقوق نیز نظرات گسترده‌ای به چشم می‌خورد از جمله آن که عده‌ای از محققان معتقدند که حقوق شهروندی را باید در حقوق خاص ملی هر کشوری جستجو کرد. در مقابل گروهی همچون جک باربالت جامعه شناس استرالیایی اعتقاد دارند، ایده شهروندی به اندازه تاریخ یک جانشینی جامعه انسانی دارای قدمت است. به زعم ایشان حقوقی که در جامعه برای یک شهروند تعریف می‌شوند جزو حقوق بنیادین انسان هستند.

بنابراین حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است و محتواهی آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸، ص ۹). حقوق

تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است (شکری، ۱۳۸۶، ص ۸۰).

اصطلاح دیگری که وجود دارد و به طور اختصاصی در این تحقیق مدنظر است، حقوق شهری است حقوق شهری، شاخه‌ای منشعب از حقوق اساسی و حقوق اداری است که هردوی آنها از شاخه‌های حقوق داخلی عمومی قلمداد می‌شوند (نصر، ۱۳۸۵، ص ۶۸). حفاظت از منافع عمومی، حفاظت از منافع محلی، مقدم نمودن منافع عمومی بر منافع خصوصی و آمره بودن قواعد از شاخصه‌های حقوق شهری است (قاسمی حامد، ۱۳۸۰، صص ۵۸-۵۵).

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امر محلی و شهری تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراهای، شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری را تبیین می‌نماید (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). از نظر اصطلاحی، مفهوم شهری به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می‌شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند، این حقوق عبارتست از:

۱. حقوق مدنی شامل آزادی بیان و برابری در مقابل قانون؛
۲. حقوق سیاسی، شامل حق رأی و ایجاد تشکیل سیاسی و صنفی؛
۳. حقوق اقتصادی در برگیرنده رفاه اقتصادی (به وسیله تولید، بازرگانی، کشاورزی و مصرف) و تامین اجتماعی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ میلادی به وسیله مارشال^۱ در لندن، طی رساله‌ای با عنوان «شهری و طبقه اجتماعی» تبیین

جدول ۲. تعاریف حقوق شهروندی؛ مأخذ: توسلی و حسینی نجاتی، ۱۳۸۳.

تعریف حقوق شهروندی	تعریف حقوق شهروندی
توعی پایگاه و نقش اجتماعی مدنی که برای تمامی اعضای جامعه، قابل دفاع است.	توسعه ای بهم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوق، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.
مجموعه ای بهم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوق، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.	احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدنی برای مشارکت جدی و فعالته در جامعه و حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.
مجموعه ای بهم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوق، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.	برخوردی عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزايا، منافع و امتيازات اجتماعی، اقتصادي، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی.

ویژگی‌های حقوق شهروندی

در واقع اگر بخواهیم به صورت طبقه بنده شده، به بیان حقوق شهروندی پپزادیم، حقوق شهروندی دارای ویژگی‌هایی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هدیه‌ای است الهی و هیچ مقام بشری این حقوق را هدیه نمی‌کند.

انواع حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در سه بعد حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی قابل شناسایی است.

۱. «حقوق مدنی»: آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی عقیده و مذهب، آزادی مالکیت و آزادی رفت و آمد از برجسته

شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷۰). واقعیت این است که هیچ دیکتاتوری با ذوزنی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. دو دسته از مطالعات در این زمینه از دیدگاه اقتصادی به موضوع پرداخته (تولوک^۱، ۱۹۸۷) و چهره دیکتاتوری در زمینه اعمال قدرت و منابع مورد استفاده برای تهدید را نزد آنها سبک سنجین کرده‌اند. نقطه تمرکز از سرکوب به خرید وفاداری و همچنین ترکیبی از این دو عامل تغییر یافته است. به طور کلی، دیکتاتورها از تمایل درونی و سرکوب برای تعیین تصدی گری خود استفاده می‌کنند (وینتروب^۲، ۱۹۹۰؛ گرشنیسون و گروسمان^۳، ۲۰۰۱؛ گندی و پرزورسکی^۴، ۲۰۰۷). در دیکتاتوری‌ها، حاکمان احتمال تحولات خشونت‌آمیز و نازارامی‌های سیاسی تهدیدکننده از راه کاهش همکاری درونی گروه‌های سیاسی تهدیدکننده کاهش می‌دهند (برتوچی و اسپاگات^۵، ۲۰۰۱). دیکتاتورها در انزوای کامل حکومت نمی‌کنند، بلکه به دور خود ائتلاف حمایت‌کننده‌ای ایجاد می‌کنند که وفاداری ائتلاف مذکور به دریافت منابع قیمومیت وابسته است. برای حفظ سالم این وفاداری، دیکتاتور به توزیع منافع در بین اعضای ائتلاف نیاز دارد (بروق و کیمنی^۶، ۱۹۸۶، ص ۴۶).

1. Tullock

2. Wintrobe

3. Gershenson and Grossman

4. Gandhi and Przeworski

5. Bertocchi & Spagat

6. Brough & Kimenyi

جدول ۳. ابعاد حقوق شهروندی از دیدگاه مارشال؛ مأخذ: ۸ marshall, 1973, p

حقوق مدنی	حقوق مدنی	ابعاد مختلف حقوق شهروندی
حق وق سیاسی	حق وق اجتماعی	
آزادی های فردی؛ آزادی مذهب، بیان و اندیشه؛ آزادی اطلاعات و ... حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی (چه در نقش دارنده قدرت سیاسی و چه در نقش رای دهنده یا تعیین کننده)؛ حق مشارکت و اداره امور عمومی؛ تشکیل حزب و ...	حق وق سیاسی	
تقسیم مساوی بودجه و بیت المال؛ رفاه اجتماعی و تامین اجتماعی برای شهروندان؛ حق سهمیه شدن در میراث اجتماعی؛ آزادی کار و شغل؛ حق مالکیت و ...	حق وق اجتماعی	

به معنای مضيق با حقوق بشر، تباین (حقوق بشر جدای از حقوق شهروندی) و در معنای موسع، تساوی (حقوق بشر مساوی حقوق شهروندی) است؛ زیرا در حالت اول، حقوق شهروندی محدود به قلمرو سرزمین است و جنبه جهان شمال ندارد و در حالت دوم، نگاهی مشابه نگاه حقوق بشر مبتنی بر حقوق انسانی دارد (قربانزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹). نظریات حقوق شهروندی

در این قسمت به طور فشرده به بررسی و تفکیک، اصول و معیارهای برخی از سنت‌های نظری مربوط به شهروندی می‌پردازیم:

۱. اولین سنت، «نظریه تی. اچ. مارشال» است که در واقع معروف‌ترین نظریه شهروندی از سوی او مطرح شده است. در نظریه مارشال سه عنصر «مدنی، سیاسی و اجتماعی» یا یکدیگر مرتبط می‌باشند. او سه دسته عنصر حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز می‌کند که با گذشت زمان توسعه یافته‌اند: حقوق در مقابل تعهدات سازمانی (مثل حق رای)، حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاه‌ها محافظت می‌شوند) و حقوق مشارکت و تامین عدالت اجتماعی که در مرکز توجه دولت رفاه قرارگرفته‌اند (Marshal, 1997: 29).

۲. دومین سنت، رهیافت «دورکیم/ توكویل»^۴ در فرهنگ مدنی است که بحث «فضیلت مدنی» را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. این سنت در جمهوری فرانسه نمود قابل توجهی به خود می‌گیرد و به «سنت جمهوری شهروندی» مشهور شده است. هردو دیدگاه مذکور با عنوان‌های «نویلبرالی» و «نوفضیلت‌گرایی» تداوم یافته‌اند.

۳. آخرین سنت نظری شهروندی، مفاهیم جدیدی چون مردم سالاری، جنبش‌های اجتماعی، جامعه مدنی، ارتباط مردم

ترین حقوق مدنی یک شهروند برشمرده می‌شوند. بدون تضمین حفاظت از این حقوق توسط نظام سیاسی و جامعه نمی‌توان قائل به وجود مفهوم شهروندی شد.

۲. «حقوق اجتماعی»: حق تشکیل سازمان، انجمن و سندیکا برای تجمیع، بیان و برآورده‌سازی مطالبات اجتماعی، حق برخورداری از بهداشت عمومی، حق برخورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حق برخورداری از حمایت قانون، حق برخورداری از رفتار برابر در مقابل دستگاه قضایی، حق داشتن دستمزد عادلانه، حق داشتن استراحت و توزیع اوقات فراغت، حق زنان در برخورداری از حقوق برابر با مردان و غیره.

۳. «حقوق سیاسی»: حق دسترسی برابر به مناسب حکومتی، حق برخورداری از مشارکت سیاسی نهادمند، حق تشکیل حزب برای شرکت در تعیین سازی سیاسی، حق برخورداری از انتخابات منظم ادواری، آزاد و سالم، برخورداری از حق عزل حاکمان از طریق ساز و کارهای مطلوب، حق داشتن امنیت سیاسی، حق نقد حاکمان از طریق نهادینه سازی آزادی بیان (ساعی ارسی، ۱۳۹۱).

رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

با توجه به بررسی‌های گوناگون، در خصوص شهروند دو معنای کلی استنباط می‌شود: نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصاديق آن شامل تمامی انسان‌ها از هر جنس و نژاد و رنگ و کشور و دین و مذهب و ... می‌باشد، و دیگر شهروند به معنای انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت- کشور و تحت قدرت آن دولت- کشور هستند. برخی با تقسیم حقوق شهروندی به مضيق و موسع قائل گردیده‌اند که رابطه حقوق شهروندی

جدول ۴. مقایسه اهم نظریات شهروندی؛ مأخذ: نگارنده.

نظریه	ایده پرداز	ساختار	ساختار سیاسی
نظریه شهروندی	تی.اچ. مارشال	دولت محور	دولت رفاه
نظریه فضیلت مدنی	دورکیم و توکویل	جامعه محور	«نولیبرالی» و «nofفضیلت‌گرایی»
نظریه دمکراسی شهری	ترنر و هیتر مردم محور	دموکراسی و جامعه مدنی	دموکراسی و جامعه مدنی

سالارانه و کنش ارتباطی را مورد توجه قرار می‌دهد. این رهیافت جدید با توجه به تلاش صاحب‌نظرانی همچون «ترنر»^۵ و «هیتر»^۶ که مباحثت شهروندی فرهنگی و شهروندی اجتماعی را مطرح کرده‌اند، در این مقوله تعریف می‌شود. باید اذعان کرد که رهیافت سوم براساس انتقادهای وارد به شهروندی دولت‌محور مارشال و فضیلت مدنی جامعه‌محور دورکیم شکل گرفته است (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶، صص ۱۲-۱۳) (نمودار ۱ و جدول ۴). ظهور لیبرالیسم در قرن نوزدهم مفهوم شهروندی را از ارزش تعاقنی و برادری آن به اختلاف منافع متتحول کرد؛ یعنی رابطه میان مفهوم شهروندی و مصلحت عمومی را از هم گسترش و شهروندان به عنوان افرادی تلقی می‌شندند که در حقوق سیاسی و مدنی با هم برابرند و شهروندی به مفهوم برخورداری از حقوق عمده‌ای چون آزادی بیان، برابری در نزد قانون، حق اجتماع و... بدون توجه به وضع طبقاتی، جنسی، و نژادی، مفهوم رایج شهروندی بود. طبق این دیدگاه، لیبرال‌ها، مخالف دخالت دولت در امور زندگی شهروند و اجتماع بودند (موسوی، ۱۳۸۰، ص ۶۷). در ادامه معروقترين نظریه درباره حقوق شهروندی موسوم به نظریه حق به شهر تبیین و شرح داده می‌شود.

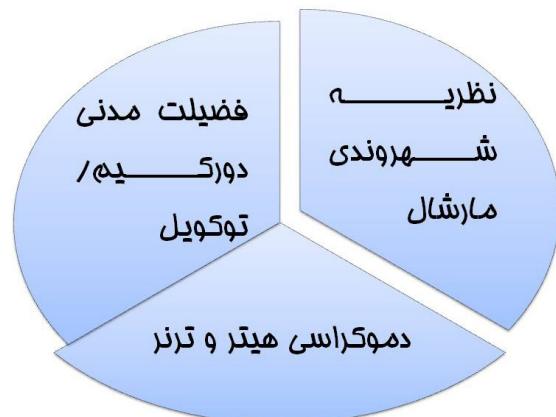
نظریه حق به شهر

«حق به شهر»^۱ مفهومی است که اولین بار توسط

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۶.



نمودار ۲. انواع نظریات شهروندی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

جایگاهها و چیدمان‌های فضایی عملکردهای مختلف را دربر می‌گیرند. روال فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را تولید می‌کند و فضا را مطرح می‌کند. روال‌های فضایی به عنوان فرآیند تولید شکل مادی فضای‌گونگی اجتماعی، هم به عنوان میانجی و هم برونداد فعالیت، رفتار و تجربه انسانی نمایش داده می‌شوند (Lefebver, 1991). روال فضایی مشخص کننده بعد مادی^۹ فعالیت و تعامل اجتماعی است. شبکه‌های تعامل و ارتباط روزمره^{۱۰} که در فرایند تولید^{۱۱} بروز می‌کنند نمونه‌ای از این روال‌های فضایی هستند (روحی, ۱۳۹۲). در روال فضایی، بازتولید روابط اجتماعی^{۱۲} تسلط دارد. در این فضایی، اقدام برای حق طلبی، متفاوت از سایر فضایها بوده و هرگزنشی برای از آن خود ساختن فضا و به عرصه عمل تبدیل کردن شهر، منوط به رمزگشایی از فعالیت‌های انجام گرفته در روال‌های فضایی است (Lefebver h, 1991).

- «بازنمودهای فضایی»^{۱۳} بازنمودهای فضاییک فضای مفهومی شده یا معقول را تعریف می‌کنند. فضای دانشمندان، برنامه ریزان و شهرسازان در این فضا جای می‌گیرد. این فضای معقول همچنین به روابط تولید^{۱۴} و به خصوص به نظم یا طراحی که آن روابط تحمل می‌کنند، گره خورده است. چنین نظمی از طریق کنترل داشت، نمادها و کدها بر ابزار رمزگشایی روال فضایی و در نتیجه تولید دانش فضایی^{۱۵} اعمال می‌شود (Soja, 1996, 1996).

به طور کلی دو عامل اساسی اقتصاد^{۱۶} و دولت^{۱۷} در جهت دهی فضای معقول تأثیر دارند. اقتصاد در واقع درون فضای محسوس به عنوان بی واسطه ترین عامل عمل می‌کند. اقتصاد از دو طریق فضا را از آن خود می‌کند:

۱- «کالایی کردن»^{۱۸} فضا: دسته بندی فضاهای شهری در مناسبات بازار مستغلات و مسکن بر اساس ارزش سود-

۲. «حق مشارکت»^۱: بر اساس این حق ساکنان شهر باید در سطوح مختلف تصمیم گیری‌های مربوط به فضاهای شهری دخیل باشند (Fenster, 2005).

حق استفاده از شهر، در بعد عمومی، باعث شکل گیری احساس تعلق می‌گردد. تعلق یک احساس است که در فعالیت‌های روزمره و استفاده از مکان‌ها شکل می‌گیرد و به دنبال استمرار بهره گیری از فضا تقویت می‌شود. فعالیت‌های روزمره علاوه بر این که احساس تعلق برای شهر وندان به بار می‌آورند، سبب شکل گیری معنا و هویت فضایی نیز می‌شوند. برای مثال خیابان به عنوان یک مکان^۲ جغرافیایی که توسط برنامه ریزان و طراحان شهری طراحی شده است، توسعه افرادی که در آنجا دست به کش اجتماعی^۳ می‌زنند، تبدیل به یک فضا می‌شود و هویت می‌گیرد. فضای اجتماعی^۴ نیز چنین است؛ این بدان معناست که فضا به خودی خود نمی‌تواند وجود داشته باشد. فضانشان دهنده واقعیت اجتماعی^۵ است. در نگرش لفور پندره‌های تاریخی فضا بر پایه سه محور تحلیل می‌شود، که به بیانی ساده‌تر عبارتند از:

الف) فضای به فهم درآمده یا ادراک شده (ب) فضای به حس دریافتیه یا احساس شده (ج) فضای زیسته.

فضاهای زیست اجتماعی از طریق این سه بعد که با هم روابط «دیالکتیکی»^۶ دارند ایجاد شده است. بدون شناخت و آگاهی از روابط دیالکتیکی میان فضاهای به فهم درآمده، احساس شده، زیسته و جریان تولید فضا در شهر و چگونگی بازتولید آن، فرایند اقدام و تلاش برای دستیابی به حق به شهر، آنچنان که باید؛ محقق نمی‌گردد. در هر یک از فضاهای یاد شده با توجه به فرصلت شکل گیری کش و امکان تبدیل شهر به عرصه عمل، چگونگی اقدام برای حق خواهی متفاوت است. بعد سه گانه روال فضایی، بازنمودهای فضایی، فضاهای بازنمود، با ایجاد بسترها بی برای درک و دریافت از امور مختلف زیستی در شهر، در تولید فضانوش ایفا می‌کنند:

۱- «روال فضایی»^۷: روال‌های فضایی به عنوان نوعی فضای‌گونگی^۸ تعریف می‌شوند که تولید و باز تولید و

1. Right to Participation
2. place
3. Social Action
4. Social Space
5. Social Fact
6. Dialectical
7. Spatial Practice
8. Spatiality

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شیوه شماره ۴۸ پاییز
۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

9. Material
10. Daily Interaction Networks
11. Production Process
12. Re-production of Social Relations
13. Representation of Space
14. Relations of production
15. Spatial Knowledge
16. Economy
17. Government
18. Commodification

فارغ از اندیشه شهرسازی و برنامه ریزی تجربه می‌شود و گاهی جایگاه مقاومت^۱ در برابر فضای معقول است. به یانی دیگر می‌توان گفت فضای زیسته، جایگاهی برای نه گفتن^۲ و پس زدن نیروهای سرکوبگر^۳ و نظم دهنده به فضا، و بر اساس تجربه زیسته و شناختی که از زیستن در چنین فضایی حاصل می‌آید؛ بستری برای خود- مدیریتی، و به دنبال آن فرصتی برای حق خواهی می‌باشد (Merrifield, 2006). (جدول ۵ و ۶)

حقوق اصلی شهروندی به وضوح و آشکارا ساخته شده‌اند نظری: حق حرکت آزادانه در قلمرو ملی، حق نظر نظردادن به استثنای برخی قوانین و بالاتر از همه حق رای، که حق سیاسی شهروندان می‌باشد. لوفور تاکید کرد که با این وجود، ریشه‌های اجتماعی بورژوائی، مانند مفاهیم و حقوق را باید دست کم گرفت. نقش نماینده دموکراسی به عنوان تعالی فرآیند همتراز برای نمایندگی از منافع اجتماعی گوناگون، به عنوان یک تعهد تاریخی، و به عنوان یک عامل اساسی در تشکیل دولت- ملت در سطح جهانی را هم باید مد نظر قرار داد. علاوه بر این، در همان راه توسعه اجتماعی- سیاسی که قابل توجه باید باشد برای به روزرسانی مفهوم معاصر حقوق بشر و مفهوم دموکراسی نیز باید کوشید. لوفور (۱۹۹۹، ۲۰۰۸) سه فرمول مهم مفهومی برای فکر کردن در مورد تناقض در تولید و تخصیص فضای ارائه داده که شامل: فضاهای ایزوتوپی، فضاهای هتروتوپ و فضاهای آرمانی است. به زبان ساده، فضاهای ایزوتوپی توسط ایزوتوپ‌های خود تعریف می‌شوند که همان فضای را تشکیل داده و ساخته‌اند. آن‌ها را می‌توان به عنوان فضاهای مشابه به منطق سرمایه، داشتن عملکرد و ساختارهای متشابه و از منظر بازتولید نظام سرمایه تصور کرد. بنابراین در فضای این نظام کالایی مبادله می‌شود که ارزش مبادله داشته باشد. به این معنا که، فضاهای توسط اراده مردم تولید می‌شوند، در منطق ایجاد شرایط برای بازتولید نظام سرمایه و یا در منطق سلطه سیاسی، به این ترتیب می‌توان فضاهای ایزوتوپی را درک کرد.

بنابراین، می‌توان گفت که فضاهای ایجاد شده، مشارکتی بوده و به عنوان مکانیسم سلطه استفاده شده‌اند. این همان فضاهای ایزوتوپی است. واژه‌های «همجا» و «هم‌مکان» را

زیان^۴ که صرفا به ارزش اقتصادی و مبادلاتی زمین توجه داشته و زمین را فقط به مثابه کالایی ارزشمند و سودده می‌بینند.

۲- «کالایی کردن از طریق فضای خاص»: استقرار گروه‌های خاص اقتصادی و کاربری‌های مشخص درون فضای باعث از بین رفتن و به حاشیه رانده شدن سایر خاصیت‌های فضایی مانند ویژگی‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌گردد. این کاربری‌ها با جذب چرخه‌های مختلف سرمایه به خصوص سرمایه مالی به این فضاهای باعث تشدید جریان کالایی کردن از طریق فضای می‌گردد (Gregory, 1994).

دولت نیز به دو شیوه بر فضای اعمال قدرت کرده، و امکان شکل گیری آگاهی فضایی^۵ و دستیابی به حقوق شهری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این شیوه‌ها که نوعاً دیوان سalarانه^۶ هستند به قرار زیر می‌باشند:

۱- «دیوان سalarی فضایی»: دولت مدرن از طریق تعیین طرح^۷ ها، حوزه‌های مختلف فضایی و تعیین قلمروهای مختلف برای ارکان قدرت در قالب کاربری‌های متعدد، فضای را بوروکراتیزه می‌کند.

۲- «اعمال قدرت مرکزی از طریق فضایی»: ایجاد فضاهای مرافقی و تحت نظارت مانند نسب دوربین در فضاهای مختلف برای نظارت بیشتر، که با کنترل رفت و آمد، میزان و چگونگی حضور افراد در این فضاهای اطراف خود را تحت تاثیر قرار می‌دهند (Gregory, 1994).

۱- «فضاهای بازنمود»: فضاهای بازنمود در عین اینکه متمایز از دو فضای دیگر است، اما آنها را در بر می‌گیرد. فضاهای بازنمود، سمبولیسم‌های پیچیده به وجود آورده‌اند رمز و بدون رمز، را متباور می‌سازند. آنها به بخش سری یا زیرزمینی زندگی اجتماعی پیوند خورده‌اند. فضای بازنمود^۸ واجد نوعی رازگارایی^۹، ناکلامی ناهمسیار و امر درک ناپذیر است. این فضای زیست کنندگان و کاربران^{۱۰} است. فضای زیسته، در واقع فضایی است که

1. Cost-benefit
2. Spatial Consciousness
3. Bureaucratic
4. Plan
5. Space of Representation
6. Secret oriented
7. Users

8. Resistance

9. Rejection

10. Repressive forces

جدول ۵. منشور جهانی حق به شهر؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بخش	مواد	مفاهیم اساسی	حق به شهر	ماده یک
گرایشات کلی	ماده دو	اصول حق به شهر	مدیریت دموکراتیک شهر	
			کارکرد اجتماعی شهر	
			کارکرد اجتماعی املاک	
			اجرای کامل شهر و ندی	
			برابری و عدم تعیین	
			حمایت و پیوژ از افراد و گروههای آسیب پذیر	
			تعهد اجتماعی بخش خصوصی	
			افزایش همبستگی اقتصادی و سیاست‌های مترقی و سازنده	
			توسعه شهری عادلانه و پایدار	ماده سه
			مشارکت در طرح بودجه شهر	ماده چهارم
حقوق مرتبط با مدیریت شهرها	ماده پنجم	حق به اطلاعات عمومی	شفافیت در مدیریت شهری	
			آزادی و تمامیت	ماده هفتم
			مشارکت سیاسی	ماده هشتم
			حق به استفاده، تجمع کردن، گردهمایی کردن، بروز دادن و بهره گیری دموکراتیک از فضای عمومی شهری	ماده نهم
			حق به عدالت	ماده دهم
			حق به امنیت عمومی و همزیستی مسالمت آمیز بر اساس صلح و همبستگی چند فرهنگی	ماده یازدهم
			دسترسی به خدمات عمومی شهری و خانگی و تامین آن	ماده دوازدهم
			حق به حمل و نقل عمومی	ماده سیزدهم
			حق به مسکن	ماده چهاردهم
			حق به آموزش	ماده پانزدهم
حقوق سیاسی و مدنی شهر	ماده شانزدهم	حق به کار	حق به کار	
			حق به فرهنگ و اوقات فراغت	ماده هفدهم
			حق به سلامت	ماده هجدهم
			حق به محیط زیست	ماده نوزدهم
			تدابیری برای تحقق حق به شهر	ماده بیستم
			نقض حق به شهر	ماده بیست و یکم
			قانونی بودن حق به شهر	ماده بیست و دوم
			تعهدات به منشور حق به شهر	ماده بیست و سوم
گرایش‌های نهایی				

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
نمایه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

جدول ۶. سیر تحول عوامل موثر بر حقوق شهروندی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.	
دوران مدرن	عوامل موثر در هر دوره
قرن ۱۹	ظهور لیبرالیسم و لیبرال‌ها مخالف دخالت دولت در امور زندگی شهروند و اجتماع
قرن ۲۰	لیبرال‌ها، معتقد به نقش و دخالت فعال دولت برای از بین بردن تبعیضات، بی عدالتی‌ها و نابرابری ناشی از آزادی‌ها، قرار دادن وسایل و امکانات لازم را در اختیار گروه‌های اجتماعی
قرن ۲۱	ظهور سوسیال دموکرات‌ها، گسترش بیشتر مفهوم حقوق اجتماعی، برخورداری از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، تأمین رفاه اجتماعی

آرمانی جدید تلاش کند. چنین فضاهایی در حال حاضر در شهر وجود دارد اما عمومیت ندارد و با برنامه قبلی از طرف عام مردم نبوده. بنابراین، می‌توان *heterotopia* را در شیوه‌های بی‌حد و حصر از جنبش‌های اجتماعی شناسایی کرد، در ظاهرات فرهنگی و در عمل جمعی به کالا زدایی شهر، که ترویج اشکال جدیدی از تصاحب فضاهای مشترک شهری است. فضاهای شهری معانی جدید را از طریق این شیوه به دست آورند: میادین، خیابان‌ها، ساختمان‌هایی با کاربری جمعی، موزه‌ها، تئاترها، پارک‌ها، رودخانه‌ها، سواحل، قطار، اتوبوس‌ها، پله‌ها، پل‌ها، و مدارس، در میان آن‌ها هستند. یعنی اجتماع درک کرده وجود برخی فضاهای ضروری است اما پدید نیامده لذا در مکانی که برای کاربری مورد نظر تعریف نشده به ایجاد فضای مطلوب خود می‌کند که مسلماً موقتی است. بصورت شماتیک می‌توان گفت فکر کنونی توسط اختلاف بین دو جهان‌بینی و یا ایده از سیاست شهری مشخص شده است: ایده از شهر نولیبرال و ایده از حق شهروندی، با اثرات مختلف خود در پویایی شهر موثر است. در حال حاضر، در ایده‌های شهری از اندیشه‌های نولیبرال استفاده شده نظیر: استراتژی کارآفرینی شهری، بازاریابی شهر، و بازسازی نولیبرالی شهری (هاروی، ۲۰۰۵).

در برابر واژه ایزوتوپ می‌توان به کار برد. اصولاً تولید این فضنا توسط دو پارامتر مهم است، یکی سودآوری اقتصادی و دیگری سلطه سیاسی. این همان معادله‌ای است که به عقیده لفور تا کنون جهان را از منظر نظام کاپیتالیستی به پیش برده و فضاهای پدید آمده در شهر را به شهروندان و کاربران تحمل کرده است. «فضاهای هتروتوپ» توسط هتروتوپی خاص خود مشخص می‌شوند، یعنی توسط فضای متفاوت از فضای ایزوتوپی. فضاهای هتروتوپ، فضاهای برابر هستند. در زمان‌ها، آن‌ها نشان دهنده تضادها می‌باشند و اختصاص یافته شده توسط عوامل مختلف برای ایجاد فضاهایی برای تولید می‌باشند همچون زندگی، بعلوه، آن‌ها کالایی زدایی شده‌اند و در نتیجه، ارزش استفاده را نشان می‌دهند. یعنی آنچه در این گونه فضا مهم است، ارزش و حس فضاست و ره روابط مبتنی بر سود و منفعت اقتصادی یا سیاسی. چنین فضاهایی به تعدد استفاده از فضای در زندگی روزمره شهر مورد مراجعة واقع می‌شوند. چنین فضاهایی با نظام سرمایه بیگانه است و محصول ناب جامعه می‌باشد. در نهایت، فضاهای آرمانی توسط آرمان شهر تعریف شده است، یعنی بی‌مکانی یا مکانی در جای دیگر. فضاهای آرمانی آن فضاهای که هنوز به طور کامل وجود ندارند. برای لفور (۱۹۹۹، ص ۴۵-۴۶)، آرمانی واقعی است. آن در قلب این واقعیت است، واقعیت شهری، که خودش خالی از این نکته نیست. در واقع می‌توان اظهار داشت که فضای هتروتوپ در واقع نوع مادی نشده فضای آرمانی است. لفور فشاری آرمانی را قابل اجرا می‌داند.

در فضای شهری، جای دیگر در همه جا هست و هیچ جاییست. نکته جالب در مورد این تحلیل این است که این فضاهای هتروتوپ نه تنها پس از گسست از نظام سرمایه‌داری پدید می‌آید، بلکه هر نفر می‌تواند در برنامه‌ریزی برای ساخت چنین فضاهای ایجاد فضاهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

عمومی مشتمل بر قوانینی بوده که در آن وظایف، اختیارات و روابط دولت با مردم تنظیم شده است؛ به عبارت دیگر حقوق عمومی قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط سازمان‌های وابسته آن با مردم است (کامیار، ۱۳۸۲، ص ۱۳). به گفته لتو اشتراوس و جوزف کرایسی «جامعه را نیازهای ما و دولت را شرارت‌های ما به وجود می‌آوردند. اولی از راه متحده ساختن عواطف ما به شیوه اثباتی موجب پیشبرد ما می‌شود و دومی با کنترل کردن شرارت‌های ما به شیوه‌ای سلبی مارا خوشبخت‌تر می‌سازد؛ اولی حامی و دومی مجازات کننده است» (گرجی به نقل از اشتراوس و کرایسی، ۱۳۹۳، ص ۱۰). در بک جمله می‌توان گفت که مبنای، قلمرو، گستره و نحوه مداخله دولت در شئون اقتصادی و اجتماعی، از بنیانی ترین مسائل حقوق عمومی است (مشهدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱). خاستگاه مالکیت و حاکمیت را نیز باید به ترتیب در حقوق خصوصی و حقوق عمومی جستجو کرد، به رغم نزدیکی دونهاد حقوقی مالکیت و حاکمیت، هر یک در سطح خرد و کلان دارای آثار و تبعات مختلفی هستند (رمضانی و سیمایی، ۱۳۹۳، ص ۳). مشروعیت قدرت دولت نه تنها به خدماتی که انجام می‌دهد بلکه به چگونگی اجرای این خدمات یعنی «قانونمند بودن»

شناسی داشته و در مطالعات شهرسازی نمود واقعی حقوق خصوصی تلقی می‌شود. در ارتباط با حریم خصوصی دو برداشت کلی وجود دارد: یکی برداشت توصیفی که حریم خصوصی را توصیف می‌کند و دیگری برداشت دستوری که از ارزش حریم خصوصی سخن می‌گوید. در هر یک از برداشت‌ها، بعضی حریم خصوصی را «نفع» و بعضی دیگر «حق اخلاقی یا قانونی» تلقی می‌کند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۴). در یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی، حقوق مدنی، حقوق قضایی و حقوق اجتماعی و اقتصادی است (پیر هادی، ۱۳۸۵ و اسماعیلی، ۱۳۸۸).

حقوق عمومی در شهرسازی

با گذراز حقوق خصوصی که موضوع و محوریت اصلی آن «فرد» است، به حقوق عمومی که با کلت «جامعه» سروکار دارد، می‌پردازیم. از منظری می‌توان گفت، پیکره جامعه از دورکن تشکیل شده است فرمانروایان (دولت) و فرمانبران (مردم). حقوق خصوصی روابط بین فرمانبران را انتظام می‌بخشد و حقوق عمومی روابط بین فرمانبران و فرمانروایان را مورد توجه قرار می‌دهد. حقوق

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شصمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۶۵



نمودار ۳. ارتباط هم ارزی متقابل ابعاد حقوق عمومی و حقوق شهروندی؛ مأخذ: خیر الدین و ملایی، ۱۳۹۵.

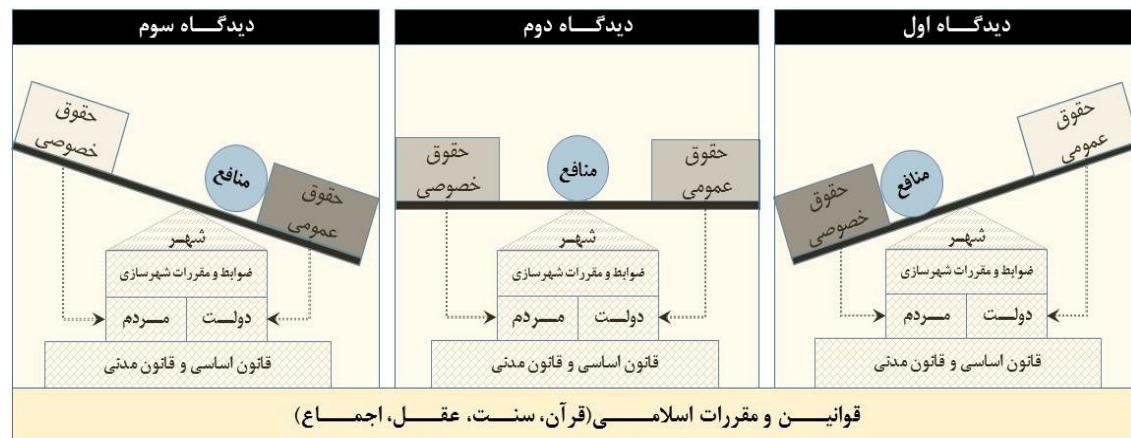
مدیریت شهری

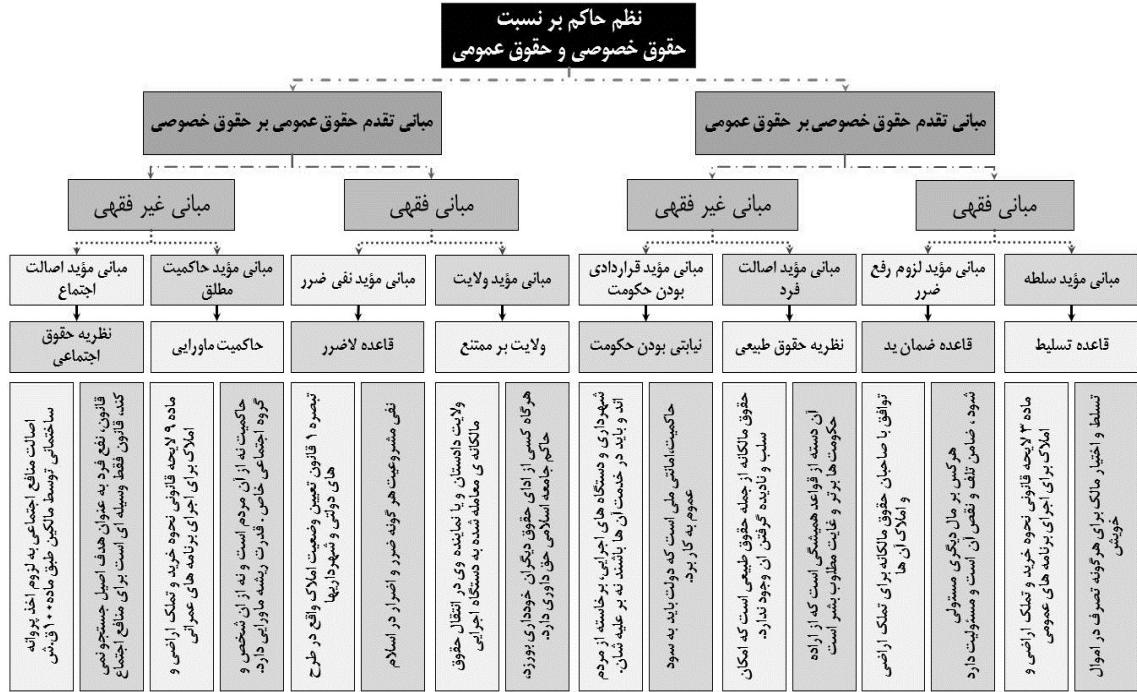
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۶۶

است که مقدم بر حقوق خصوصی شناخته می‌شود. در نظام حقوقی ما، نظریاتی که در آن‌ها جانبداری از حقوق خصوصی مشاهده می‌گردد معمولاً یا نظریاتی است که از فقه اسلامی یا به تعبیری حقوق اسلامی به درون حقوق ما نفوذ و رسخ کرده است، یا این‌که تئوری‌هایی است که از نظام‌های حقوقی دیگر، مثل نظام حقوقی رومی و زرمن به حقوق ما راه یافته است (بهشتیان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹)، همچنین است حقوق عمومی. به‌نحوی که با هدف انتظام بخشی به جامعه، حقوق عمومی بر حقوق خصوصی تقدیم پیدا می‌کند (نمودار ۵).

ضوابط و مقررات شهری، هم با فلسفه حقوق و هم با منطق شهرسازی، بر این نکته تأکید دارد که شهر باید کنترل شود. چون زندگی شهری با هرج و مرج و بدون سازوکارهای حقوقی و شهرسازی، رویه انحطاط خواهد رفت و قادر به رفع تضاد منافع و تأمین نیازها خواهد بود. ضوابط و مقررات شهرسازی، فی نفسه مطلوبیت ذاتی و حقیقی ندارند، بلکه در صورتی که واجد ویژگی‌های مناسبی برای تحقق اهداف و آرمان‌های حقیقی باشند، خوب توصیف خواهند شد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، هدفمندی محتوایی ضوابط و مقررات است (صالحی، ۱۳۸۲، ص ۵۵). آنچه که هدفمندی ضوابط و مقررات شهرسازی را تقویت نموده و منجر به هدایت نظام‌مند توسعه شهری می‌شود، نظم حاکم بر «برنامه‌ریزی شهری» است. لذا برنامه‌ریزی شهری در هدایت توسعه شهری، تعادل‌بخشی بین منافع خصوصی و عمومی را منجر شده و موجب تنظیم مناسبات بین عوامل مؤثر بر هدایت شهری از قبیل بازار، سیاست‌گذاری و...



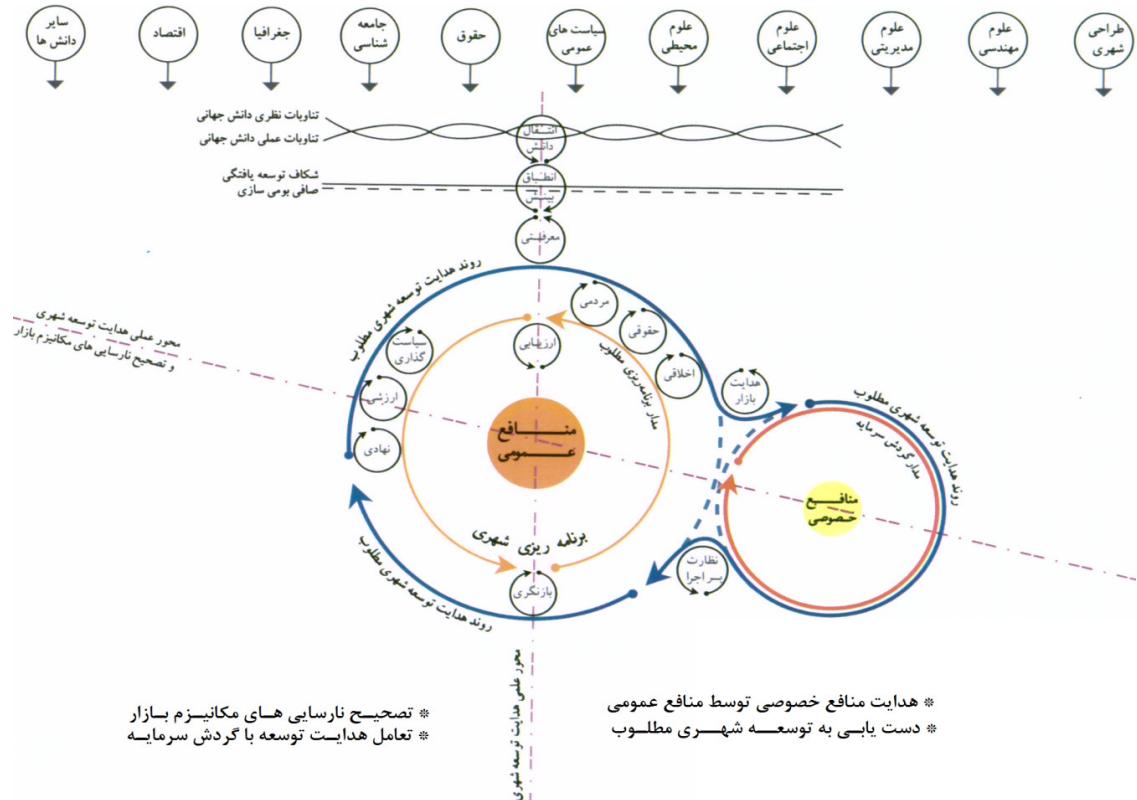


نمودار ۵. مبانی فقهی و غیر فقهی حاکم بر نسبت حقوق خصوصی و عمومی و جایگاه آن‌ها در قوانین و مقررات شهرسازی؛ مأخذ: خیرالدین و میلانی، ۱۳۹۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۳۶۷ ■



نمودار ۶. نقشه مطلوب منظمه هدایت توسعه شهری با تعادل بین منافع عمومی و خصوصی؛ مأخذ: عبدالله خان گرجی، ۱۳۸۸، ص ۳۷

می شود (نمودار ۶).

در مقیاس قابل ملموس تر در نظام شهرسازی کشور، فرایند تغییر حقوقی منافع- حقوق عمومی به خصوصی و بالعکس، در موارد کثیری قابل لمس است. این فرایند در دو جنبه متفاوت از سوی دو کنشگر اصلی حوزه عمومی و خصوصی اتفاق می افتد:

در بستر طرح های نوسازانه شهری از ابر پروژه های شهری (بزرگراهها) تا طرح ریزی های خرد مقیاس (پارک محله ای)، همواره حقوق خصوصی و مالکانه افراد در راستای تحقیق و دست یابی به حقوق و منافع عمومی مورد بیمه ری قرار گرفته و دگرگونی حقوقی بین دو قطب خصوصی و عمومی را منجر می شود. فرایندی که در طی آن حقوق مالکانه و منافع خصوصی در مقابل منافع عمومی رنگ باخته، همچنان که بعد قانونی آن در برابر ضوابط و مقررات رنگ می بازد.

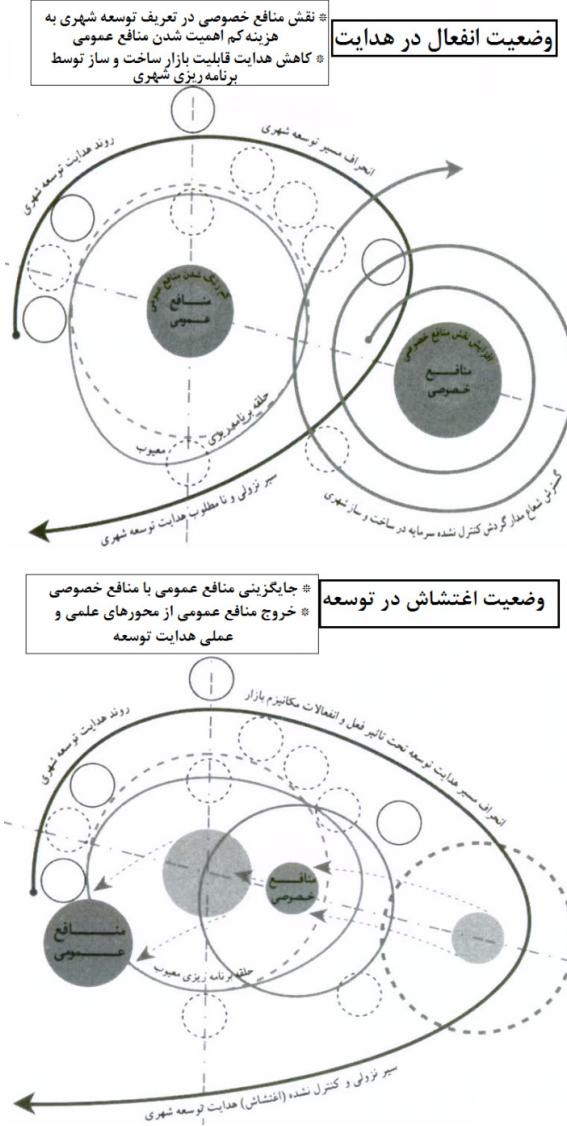
عدم حس تعلق شهروندان به فضاهای عمومی شهری و نسبت دادن مالکیت این فضاهای دولت، موجب ترغیب کنشگران فضاهای خصوصی (مردم) به ارتقاء منافع شخصی و بی توجهی به منافع عمومی می شود. از بارزترین نمونه های رایج در چین فرایندی می توان به: بی توجهی به آلودگی هوا در استفاده افراطی از اتوبیل شخصی، بی توجهی به ضوابط ساخت و ساز در ملک شخصی، بی توجهی به اصول اخلاقی - فرهنگی در استفاده از فضاهای عمومی، اشاره نمود. مفقود بودن حلقة حقوقی مستحکم به عنوان حلقة کنترل نظام هدایت توسعه شهری، بارزترین عنصر در تحقق دو فرایند منفی فوق است (نمودار ۷).

واضح و مبرهن است که ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری کشور می باشند در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی تدوین و به اجرا در آید. آنچه که منجر و منتهی به تعارض یا نیمه سازگاری ضوابط و مقررات شهرسازی با قوانین پایه ای اسلام شده است، وضعیت و شرایط حاکم بر نظام شهرسازی روز است. شرایط از قبیل توسعه و گسترش شهرها، پیشرفت فناوری های نوین، تغییر و تنوع در نیازمندی ها و تغییرات ساختاری و محتوایی ارزش های سنتی^۱ است.

^۱ ارزش های از نوع اصول فلسفی (حقیقت، اصلت، شخصیت، صداقت) و یا از نوع اصول کاربردی (مقیاس، تناسب، تسلیس، ترکیب و تعامل).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017



نمودار ۷. تأثیرات احتمالی آسیب حلقه برنامه ریزی شهری در برهم کنش منافع عمومی و خصوصی؛ مأخذ: گرجی، ۱۳۸۸، ص ۴۴.

سنجدش مقررات حاکم بر نظام شهرسازی کشور با قوانین پایه ای اسلام، نشانگر هم راستایی و هم ترازی نسبی دو قطب فوق است اما بعده مغفول در نظام شهرسازی، عدم اجرای صحیح و قانونی ضوابط و مقررات تدوین شده است. بعده که در نهایت سازمان و ساختار فضایی شهر های ما را در تعارض کامل با قوانین پایه ای اسلام قرار می دهد. حقوق در کنار برنامه ریزی و طراحی محیط (شهرسازی)، دو عرصه مکمل یک جامعه در انتظام بخشی محتوایی و

کالبدی جامعه شهری به شمار می‌روند. در صورتی که نقش آن‌ها به خوبی درک و به منظور انجام اهداف و آرمان‌های جامعه شهری به کار گرفته شوند می‌توان انتظام کامل یافته و یکپارچه محیط‌های انسان‌ساخت را به عنوان سنتز و محصول مشترک آن دو عرصه انتظار داشت (صالحی، ۱۳۸۵، ص ۵۵). ضوابط و مقررات قانونی به عنوان پایه‌های اساسی حاکم بر فرایند نظام حقوق شهرسازی کشور از یکسو و قوانین و مقررات فقهی به عنوان منابع اساسی حاکم بر نظام حقوق اسلامی از سوی دیگر، دو بستر اصلی برای سنجش میزان سازگاری و یا عدم سازگاری بین نظام حقوق شهرسازی کشور با قوانین و مقررات اسلامی در حوزه «حقوق-منافع عمومی و حقوق خصوصی» را فراهم می‌آورد.

مدیریت شهری و حقوق شهروندان
از موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده است، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است. چنانچه نظام «مدیریت شهری» را شامل فرایندهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، سازماندهی و نظارت بر اداره امور شهر و شهرداری بدانیم و نظام حقوق شهری را به مثاله روند قانونمند کردن فرآیندهای چندگانه نظام مدیریت شهری و نیز قانونمدار نمودن و ظایف و تکالیف متقابل و دوسویه شهرداری به شهروند محسوب کنیم که هدف آن به سامان کردن زندگی شهری و فعالیت‌های شهرداری و شهروندان است، به خوبی اهمیت نقش و جایگاه نظام حقوق شهری در مدیریت شهری و نیز رابطه و نسبت مدیریت شهری و حقوق مشخص می‌شود. لیکن، تا قبل از بررسی مسئولیت‌های شهروندان، ضرورتاً مبایست به اصل اساسی که وثیقه حقوق شهروندی است اشاره کرد:

(الف) اصل برائت شهروندان: «برائت»، از نظر لغوی به معنای بیزاری، بیزار شدن و در اصطلاح حقوقی «اصل برائت» عبارتست از: «آزاد بودن انسان از تحمیلات و تکلیفات و تعهدات و واجبات، مگر در مورد مصربات قانون لازم الاتّباع» کنوانسیون اروپائی حقوق پسر در بند ۲ ماده ۶ در تعریف اصل برائت اعلام داشته است: «هر فردی

که مورد اتهامی قرار گیرد، بی‌گناه فرض می‌شود مگر اینکه مجرمیت او به طریق قانونی ثابت گردد». بنابراین، به استان ظن نباید تحمیل تعهد کرد که ظن در شرع حجّت نیست. قاعده فقهی «الْبَيْنَةُ عَلَى الْمُدَعِّى وَالْيَمِينَ عَلَى مِنْ انْكَرَ» و همچنین اصل ۳۷ قانون اساسی ج.ا.ا. نیز مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح اثبات شود». در نتیجه اصل، برائت است و هر کس در هر مقامی که باشد در صورتی مجرم است که جرم او با دلایل، مدارک و مستندات متقن در مرجع صالحه به اثبات برسد و در غیر این صورت در پناه قانون می‌باشد. این مهم‌ترین وثیقه برای حفظ حقوق شهروندی است.

ب) مسئولیت مدنی شهروندان: «مسئولیت مدنی» شامل تمامی اشخاصی است که در رابطه با فعالیت‌های روزمره به طور مستقیم یا غیرمستقیم وظایفی را بر عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمہ به دیگران بر حسب مورد مسئول شناخته شوند.

ج) مسئولیت کیفری شهروندان: اصولاً، رفتاری که موجب مسئولیت شهروندان خواهد شد، مخاطراتی است که برای آزادی‌های فردی دیگران بوجود می‌آورند و مسئولیت کیفری زمانی تحقق می‌باید که شخص، مرتکب عملی شود که قوانین و مقررات آن را صریحاً منوع یا الزام به اجرای آن کرده باشند. بسیاری از این اعمال شهروندان به لحاظ مسئولیت آنها ممکن است جرم تلقی شود.

د) چالش‌های حقوقی قوانین و مقررات شهرداری: با دقت در قانون شهرداری در خصوص تنگناهای قانونی، اجرای قانون شهرداری‌ها در عرصه عملکردی نظام مدیریت شهری ایران و حوزه فعالیت‌های شهرداری‌های کشور، شناخت نسبتاً سودمندی از ویژگی‌ها و پیشینه تاریخی در این زمینه در اختیار ما قرار می‌دهد. ولیکن چالش‌های حقوق اساسی قانون شهرداری به ویژه در ارتباط با موضوع شهروندی ضروری است. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. عدم تدقیق حقوق و تکالیف متقابل شهروندان و شهرداری.
۲. عدم حضور شهروندان در فرآیند تهیه، بررسی و تصویب برنامه‌های توسعه شهری (طرح‌های جامع، تفصیلی وغیره).
۳. فقدان راهکارهای جلب مشارکت‌های شهروندی.

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شیوه شماره ۴۸ پاییز
۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۴. فقدان مدیریت واحد شهری.

۵. بدینهی است بررسی چالش‌های قانون شهرداری‌ها و تنگناهای شهرداری در عرصه فعالیت‌های عملکردی شهری، چنانچه فارغ از چالش‌های محیطی و پیرامون شهرداری‌ها و قانون شهرداری در نظر گرفته شود، بسیار انتزاعی خواهد بود چرا که در این عرصه با منظومه‌ای از علل و عوامل و نیروها و حتی دلایل سر و کار داریم که هر کدام به سهم و نوبه خود در شکل گیری این چالش‌های حقوقی دخیل هستند.

نتیجه‌گیری و جمعبندی

شهروندی همواره ۳ وجهه دارد: شخص؛ بستر نهادی جامعه سیاسی؛ و چگونگی مناسبات شخص با این جامعه سیاسی. تعلق شخص به جامعه سیاسی هم جنبه عاطفی دارد (حس تعلق) و هم جنبه حقوقی (حق مشارکت در تصمیم‌سازی). حضور همزمان این ۳ جنبه واژه شهروند را از واژه‌هایی چون تبعه، مقیم یا ملیت جدا می‌کند. شهروندی در دنیای مدرن فحوایی برابرخواهانه دارد و دلالت بر عضویت کامل فرد در جامعه سیاسی معین دارد. حق شهروندی با حقوق مختلف دیگری در پیوند است، از جمله: حقوق مدنی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی، حقوق فکری و اخیراً حقوق زیست محیطی. اکنون در آغاز هزاره سوم، شهروندی هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی با چالشهایی روپرداخت. در سطح ملی تعمیم حقوق شهروندی به کل جامعه با دشواریهای زیادی همراه است. علاوه بر آن، با توجه به جهانی شدن اقتصاد، انقلاب در فناوریهای اطلاعاتی، فرایند ادغام بین‌المللی و گسینخنگیهای اجتماعی پیشبرد اهداف سیاستهای اجتماعی و اقتصادی در درون کشورها دشوار شده است. مشکل اساسی در سطح بین‌المللی، پیدا کردن راه حل برای جهانی شدن در شرایط فقدان مردم‌سالاری جهانی است. جهانی شدن با بنیادهای سنتی شهروندی که در اصل با جامعه ملی پیوند داشته است مثل عضویت، مشارکت، اجتماع سیاسی، شمول و عدم شمول، هویت ملی و تضمین حاکمیت قانون، برخورد پیدا می‌کند. جهانی شدن اقتصاد در شرایط فقدان مردم‌سالاری جهانی شرایطی می‌آفریند که در آن «شهروند جهانی» شهروند بی‌سرزمنی است که هم در سطح کشوری

و هم در سطح محلی در معرض از دست دادن هویت است. انتظام بخشی به فضاهای شهری با ترکیبی منظم از فضاهای خصوصی و عمومی، نیازمند اصول و پایه‌هایی مستحکم در زمینه قانونی و عرفی می‌باشد؛ این اصول در قالب حقوق خصوصی و حقوق عمومی در شهرها معنا پیدا می‌کند. حقوق دوگانه‌ای که هر کدام ماهیت و نگرشی متنوع در مقابل فضاهای شهری و شهروندان ارائه می‌دهد. لذا تبیین و بررسی سازگاری و یا عدم سازگاری (تناقض) بین ضوابط و مقررات شهرسازی کشور با قوانین و مقررات اسلامی، نقطه عطفی در تقویت انتظام بخشی نظام عدالت شهری به شمار می‌آید.

وجه تمایز معماری و شهرسازی ایرانی، در فرهنگ و تمدن اسلامی آن است که منبعث از ریشه‌های شریعت اسلام است. شریعتی که برای تمام ابعاد زندگی احکامی دارد و حرکت زندگی جامعه بر اساس آن بنا شده است. از سوی دیگر احکام و قوانین در شئون زندگی اجتماعی و سیاسی مردم با تمام جزئیات آن دخالت داشته است و حتی شکل‌گیری ظاهری شهرها نیز متاثر از احکام و قوانین اسلامی بوده است. در نتیجه واکاوی و سنجش ضوابط و مقررات شهرسازی در برابر قوانین پایه‌ای اسلام در حوزه حقوق عمومی و خصوصی، نمود واقعی «شهرسازی و معماری ایرانی- اسلامی» را رقم می‌زند. از آنجا که جامعه ایران جامعه‌ای در حال گذر است تحقق این حقوق با موانعی رویه رو است. از جمله این موانع عبارتند از:

۱. **موانع قانونی؛** از آنجا که حقوق شهروندی محصول مدرنیته است، وارد کردن این مفهوم در حقوق اساسی ایران یعنی قانون اساسی هم دارای موانع مفهومی بود؛ یعنی شناخت ما از حقوق شهروندی به دلیل تعارض با سایر مفاهیم مدرن کامل نیست و هم در قانون اساسی مفهوم حقوق شهروندی به صورت ناقص و با شرایط ویژه‌یی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین یکی از موانع مهم را باید در تعریف و تفسیر قانون اساسی از شهروند و حقوق شهروندی و حقوق بشر دانست.

۲. **موانع اجرایی؛** مغفول ماندن مسوولیت قوه مجریه در اجرای حقوق شهروندی، نبود نظارت اجرای موثر بر حقوق شهروندی در دستگاههای اجرایی با وجود اینکه تاکیدات زیادی بر آن می‌شود مانع عدمهای در تحقق

حقوق شهروندی است.

۳. موانع سیاسی؛ به طور کلی مفاهیم قانون مداری، احزاب، جامعه مدنی و حقوق شهروندی تحت تاثیر مسائل سیاسی قرار می‌گیرد. در بررسی موانع سیاسی حقوق شهروندی باید به نوع ساختار حکومت توجه نمود. عواملی چون ساختار تک حزبی یا تعدد احزاب یا نوع حکومت مبتنی بر تفکرات فردی یا دموکراسی توجه نمود. از آنجاکه تعدد احزاب و قانون احزاب در ایران تحت تاثیر ملاحظات سیاسی است تا حقوقی، روند حقوق شهروندی با چالش‌های سیاسی عمده‌ای روبه روست. در فضای دموکراتیک حقوق شهروندی بستر مناسب تری برای تحقق دارد تا یک فضای غیردموکراتیک. در ساختار سیاسی حکومتی ایران به نوعی درهم تنیدگی بر میخوریم که ترکیبی

از دموکراتیک و غیردموکراتیک می‌باشد همین درهم تنیدگی خود روند حقوق شهروندی را با پیچیدگی‌های زیادی همراه نموده است.

پیشنهاد مشخص و اصولی در رابطه با افزایش سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی این است که این اطلاعات و آگاهی‌ها باید در کتب درسی از دوره‌های ابتدایی تا متوسطه به تدریج و برایت اصول علمی و فنون یادگیری به دانش آموزان که شهروندان آینده کشور هستند، القاء شود به طوری که هر شهروند در سن جوانی که در آستانه ورود به فعالیت در عرصه اجتماع می‌باشد، آگاهی‌های لازم در رابطه با حقوق و تکالیف خود به عنوان یک شهروند را کسب کرده و رعایت آن برای او نهادینه شده باشد.

جدول ۷. مقایسه منشور حقوق شهروندی ایران و چند مورد از منشورهای حقوق شهروندی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

منشور حقوق شهروندی ایران	چارتربین المللی برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارتاروپا برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارتربین کانادایی حقوق و آزادی‌ها	اطلاعیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه
حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی	حق داشتن آب و غذای سالم	حق به بهداشت	حق حیات آزادی و امنیت	-
حق کرامت و برابری انسانی	-	اصل برابری حقوق و عدم تبعیض	برابری افراد در مقابل قانون و منافع آن	برابری انسان‌ها
حق آزادی و امنیت شهروندی	حق به صلح مدنی و امنیت در شهر	-	حقوق مربوط به امنیت	حفظ آزادی، احترام مالکیت، تامین امنیت و مقاومت در برابر ستم
حق مشارکت در تعیین سرنوشت	حق به مشارکت دموکراتیک	حق به مشارکت سیاسی	حق به رای دادن و انتخاب شدن	تعلق اصل و بنیان حاکمیت به ملت
حق اداره شایسته و حسن تدبیر	-	-	-	-
حق آزادی اندیشه و بیان	حق به آزادی فردی، مذهبی و عقیدتی	حق آزادی زبانی، فرهنگی و عقیدتی	دموکراسی و آزادی	احترام به عقاید همه
حق دسترسی به اطلاعات	-	حق دسترسی به اطلاعات	-	مجاز بودن تحقیق افراد درباره ضرورت مالیت وضع شده

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
نمایه شماره ۴۸ پاییز
۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۳۷۱ ■

جدول ۷. مقایسه منشور حقوق شهروندی ایران و چند مورد از منشورهای حقوق شهروندی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق. (ادامه)

اطلاعیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه	منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها	چارت موئنژال برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارت اروپا برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارتینن المللی برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	منشور حقوق شهروندی ایران
-	-	-	-	-	حق دسترسی به فضای مجازی
-	-	-	-	-	حق حریم خصوصی
-	-	-	حق به تشکل، تجمع و اعتراضات	حق به ایجاد گردهمایی و انجمن‌ها و اتحادیه‌های تجاری و کارگری	حق تشکل، تجمع و راهپیمایی
-	آزادی ورود و خروج و اقامت	-	حق به آزادی حرکت و رفت و آمد در شهر	حق داشتن آب و غذای سالم	حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد
-	-	-	حفاظت از زندگی شخصی و خانوادگی	-	حق تشکیل و برخورداری از خانواده
بیگناهی تمامی افراد مگر آنکه تقصیر آنها ثابت شود	حق برخورداری از سیستم قضایی عادلانه و حق اعتراض به مجازات ظالمانه	-	سازمان‌های اجرای عدالت محلی	-	حق برخورداری از دادخواهی عادلانه
-	-	-	-	-	حق اقتصاد شفاف و رقابتی
-	-	-	حق به مسکن	حق مسکن و اقامتگاه	حق مسکن
-	-	-	-	-	حق مالکیت
-	-	-	حق به اشتغال	-	حق اشتغال و کار شایسته
-	-	-	حق به خدمات تامین اجتماعی	-	حق رفاه و تأمین اجتماعی
-	-	حقوق مربوط به فرهنگ	حق به فرهنگ	حقوق مربوط به فرهنگ	حق دسترسی و مشارکت فرهنگی
-	-	-	حق به تحصیل	-	حق آموزش و پژوهش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

جدول ۷. مقایسه منشور حقوق شهروندی ایران و چند مورد از منشورهای حقوق شهروندی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق. (ادامه)

منشور حقوق شهروندی ایران	حق توسعه شهری پایدار	حق به محیط زیست پایدار	حق به محیط زیست	چارتر اروپا برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارتر مونترال برای حمایت حمایت از حقوق شهروندان در شهر	منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها	اطلاعیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه
حق صلح، امنیت و اقتدار ملی	-	-	-	-	-	-	-
حق برابری زن و مرد	-	-	-	-	-	-	-
حقوق کودکان	-	-	-	-	-	-	-
حق به خدمات شهری دسترس پذیر	-	-	-	-	-	-	-
حق به اقدامات شهری عمومی	-	-	-	-	-	-	-
حق به اوقات فراغت	-	-	-	-	-	-	-
حق به توسعه شهری متوازن	-	-	-	-	-	-	-
حقوق مصرف کنندگان	-	-	-	-	-	-	-
همکاری بین المللی شهرداری‌ها	-	-	-	-	-	-	-
اصل شفافیت	-	-	-	-	-	-	-
اصل واگذاری تصمیم گیری‌های محلی به ارگان‌های محلی	-	-	-	-	-	-	-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

جدول ۷. مقایسه منشور حقوق شهروندی ایران و چند مورد از منشورهای حقوق شهروندی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق. (ادامه)

منشور حقوق شهروندی ایران	چارتربین المللی برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارتاروپا برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	چارتربین المللی برای حمایت از حقوق شهروندان در شهر	منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها	اطلاعیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه
-	-	مکانیزم‌های مالیات و بودجه	-	-	-
-	-	اقدامات پیش گیرانه	-	-	-
-	-	مکانیزم‌های مالیات و بودجه	-	-	-
-	-	پلیس در شهر	-	-	-
-	-	حقوق در رابطه با زندگی اجتماعی و اقتصادی	-	-	-
التزام به قانون	-	-	-	-	-
تضمين حقوق اهالی کشور	-	-	-	-	-
توزيع هزینه نگهداری از نهادهای عمومی به نسبت توان مالی شهروندان	-	-	-	-	-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۳۷۴ ■

منابع و مأخذ

۱. آذرداد، لدن، (۱۳۸۹) جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی، چاپ اول، انتشارات جاودانه، تهران.
۲. آقایی، بهمن (۱۳۸۷) فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، نشر گنج دانش، چاپ اول.
۳. ابراهیم پور، مجید (۱۳۹۳) حق به شهر: حق به فضای عمومی شهر یا حق به زندگی. انسان شناسی و فرهنگ.
۴. ابراهیم پور، مجید (ب) (۱۳۹۳) گزیده منشور جهانی حق به شهر، انسان شناسی و فرهنگ.
۵. احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۴) حقوق شهروندی، مجله اندیشه، سال یازدهم، شماره ششم.
۶. احمدی طبایی، سید محمد رضا (۱۳۸۸) حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی، نشر فرهنگ معاصر.
۷. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۸) انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲.
۸. انصاری، باقر (۱۳۸۶) حقوق حریم خصوصی، انتشارات سمت، تهران.
۹. باقریان، محمد صابر (۱۳۸۶) شهرسازی، حقوق عمومی و حقوق خصوصی در دوران معاصر؛ نسبت‌ها و چالش‌ها، نشریه باغ نظر، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۱۱-۳.
۱۰. بهشتیان، سید محسن (۱۳۸۷) روش‌های تملک و تأمین حقوق مالکانه واقع در طرح‌های عمومی شهرداری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴.
۱۱. بیرونی، رضا، (۱۳۸۸) مسؤولیت ضابطان در حقوق شهروندی، انتشارات قضا، قم.
۱۲. پژوهنده، محمد حسین، (۱۳۷۶) مدنیت و شهروندی، فصلنامه اندیشه حوزه، سال سوم، شماره‌های ۲ و ۳.
۱۳. پست، حسن (۱۳۷۵) فرهنگ روابط بین المللی، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
۱۴. پلبو، روبر، (۱۳۷۰) شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۵. پیرهادی، علی‌اکبر (۱۳۸۵) حقوق شهروندی، انتشارات سروش ملل، چاپ اول، تهران.
۱۶. پیرهادی، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، راهکارهای توسعه، فرهنگ

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شصتمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۳۷۵ ■

- میزان آگاهی از حقوق شهری در میان دانشجویان،
فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی شماره ۵.
۳۰. شیانی، مليحه (۱۳۸۶) فقر، محرومیت و شهری در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۳۱. صالحی، م. (۱۳۸۲) تأملی در باب مستدل بودن احکام دادگاه‌ها، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۲.
۳۲. صرافشوار، غلامحسین (۱۳۷۳) فرهنگ فارسی امروز، تهران، نشر حکمه.
۳۳. طباطبائی موتمنی، م، (۱۳۸۴) حقوق اداری، انتشارات سمت.
۳۴. طباطبائی موتمنی، م، (۱۳۸۷) حقوق اداری تطبیقی، انتشارات سمت.
۳۵. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۴) حقوق اساسی، انتشارات میزان، چاپ سوم، تهران.
۳۶. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۸) آزادی عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۷. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰) تعامل جهانی شدن شهری، و دین، نامه علوم اجتماعی، پائیز و زمستان، شماره ۱۸.
۳۸. عمید، حسن، (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۹. غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۸۹) نقش شهری در بهبود کیفیت زندگی شهری، مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۱.
۴۰. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳-۸۴) سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران، فاز اول واکاوی مفهومی و نظری، طرح دفتر امور اجتماعی وزارت کشور
۴۱. فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۸) شهری شهری فرهنگی و فرهنگی شدن شهری رویکردی بر انسان شناختی شهری، مقاله ارائه شده در فصلنامه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران، شماره ۲۰.
۴۲. فتحی و اجارگاه، کوروش و واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۸) آموزش شهری در مدارس، تهران: نشر آینه.
۴۳. فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۹۰) توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهری، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴، ص. ۱۰۷-۸۹.
۴۴. قاسمی حامد، عباس (۱۳۸۰) نظرارت پذیری شورای اسلامی شهر در چارچوب حقوق شهری، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴.
۴۵. قربان زاده، حسین (۱۳۸۹) تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهری، مقاله ارائه شده در همایش راهکارهای توسعه، انتشارات مجانی گروه علمی کوثر
۱۷. توسلی، غلامعباس و حسینی نجاتی، سید محمود (۱۳۸۳) واقعیت اجتماعی شهری در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
۱۸. توسلی، غلامعباس و نجاتی (۱۳۸۳) واقعیت اجتماعی شهری در ایران، مجله جامعه شناسی ایران: تابستان ۱۳۸۳، دوره ۵، شماره ۲.
۱۹. توسلی، غلامعباس، (۱۳۶۹) نظریه‌های جامعه شناسی، انتشارات سمت، تهران.
۲۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۱) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران.
۲۱. خیرالدین، رضا و میلایی (۱۳۹۵) نظام حقوق شهرسازی ایران در پرتو قوانین و مقررات اسلامی (تبیین الگوی برهمن کنش حقوق عمومی و خصوصی)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۳.
۲۲. ربانی خوراسگانی، علی و مسعود کیانپور، (۱۳۸۶) مکاتب علمی و دیدگاه‌های نظری در باب حقوق شهری، مقالات برگزیده همایش حقوق شهری، مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه.
۲۳. رسولی، محمدرضا وزنده بودی، خیری (۱۳۸۸) سانه و آموزش حقوق شهری، نشریه تحقیقات روابط عمومی، سال دهم، شماره ۶.
۲۴. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، سیمایی صراف (۱۳۹۳) مطالعه تطبیقی محیط‌زیست در حقوق و فقه اسلامی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره سوم، شماره اول.
۲۵. ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۱) آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران: نشر بهمن برنا.
۲۶. سیاری، علیرضا و عباس، کوچ نژاد (۱۳۸۹) آشنایی با حقوق و تکالیف شهری، ۱۳۸۹
۲۷. شکری، نادر (۱۳۸۶) مجموعه مقالات همایش «نظرارت همگانی، شهری و توسعه سازمانی». شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.
۲۸. شیانی، مليحه (۱۳۸۷) تحلیلی بر وضعیت شهری در شهر تهران، مقاله ارائه شده در مجموعه مقالات همایش انسانی شناسی فرهنگی و اخلاق شهری، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
۲۹. شیانی، مليحه و دادوندی، طاهره (۱۳۸۹) تحلیلی بر

- اداری در حقوق سوئیس، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳.
۶۰. موسوی، سید یعقوب، (۱۳۸۰) تحول حقوق شهرondی به سوی تامین انتظام شهری، فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره ۴.
۶۱. نجاتی حسینی، سید محمد (۱۳۸۰) جامعه مدنر، شهروندی و مشارکت، مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها. شماره پنجم
۶۲. نجاتی حسینی، سید محمد (۱۳۸۱)، واقعیت شهروندی در ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۶۳. نجاتی، حسینی، سید محمد (۱۳۸۰)، جامعه مدنر، شهروندی و مشارکت، مقاله ارائه شده در فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵
۶۴. نصر، حسین (۱۳۸۵) شهرسازی و حقوق شهروندی، شهرداری‌ها، سال ششم. شماره ۷۵.
۶۵. الیوت؛ آنتونی-ترنر، برایان (۱۳۹۰) برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: جامعه‌شناسان.
66. Fenster, T. (2005). Identity Issues and Local Governance: Women's Everyday Life in the City, Social Adentities.
67. Gregory, D. (1994). Geographical Imaginations. Blackwell.
68. Harvey, D. (2008). The Right to the City. New Left Review.
69. Kofman, E. (1996). Writing on Cities. Oxford: Blackwell Puplisher.
70. Lefebver, H. (1991). The Production of Space, translated by David Nicholson, Smith. Oxford: Blackwell, Oxford and Cambridge.
71. Lefebver, H. (1996). The Urban Revolution translated by Robert Bononno. New York: University of Minnesota Press.
72. Lefebver, H. (2009). State, Space, World Selected Essays. U.S: University of Minnesota Press.
73. Marshall, T. H. (1981) The Right to Welfare and Other Essays. London: Heinemann.
74. Marshall, T.H, 1973: Class, Citizenship and Social Development, Westport: Greenwood Press.
75. Merrifield, A. (2006). Henri Lefebvre A Critical Introduction. Routledge.
76. Soja, E. (1996). Thirdspace Journeys to Los Angeles and other Real and Imagination. Blackwell.
- شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی، مجله رهبری و مدیریت آموزشی، شماره ۱۲.
۴۶. کاستلز، دیویدسون آ، (۱۳۸۲) مهاجرت و شهروندی، (ترجمه تقی لو)، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴۷. کاشانی، سید محمد (۱۳۹۱) حقوق مالکانه در پرتو مقررات شهرسازی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۷، صص ۱-۵۱.
۴۸. کامیار، غلامرضا، (۱۳۷۹) حقوق شهری و شهرسازی، چاپ سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
۴۹. کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۲) حقوق شهروندی، چاپ اول، انتشارات مجلد، تهران.
۵۰. کریون، میتوسی. آر (۱۳۸۷) چشم اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه حبیبی مجتبه، محمد، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۷.
۵۱. کمانزودی کجوری، موسی (۱۳۹۲) آسیب‌ها راهکارهای قانونی-اجرایی تملک املاک واقع در طرح‌های ساماندهی بافت‌های فرسوده شهر تهران، نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۲۴۱-۲۵۶.
۵۲. کرابی، آبرو (۱۳۶۷) فرهنگ جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۷.
۵۳. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۷) حقوق عمومی و حقوق خصوصی؛ دوگانگی یا یکانگی؟، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۷، صص ۱۴۱-۱۸۲.
۵۴. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸) مبانی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران.
۵۵. گرجی عبدالله‌خان، بهرام (۱۳۸۸) آسیب‌شناسی منظمه هدایت توسعه شهری در ایران با نگاهی بر آسیب‌پذیری شهرهای جدید، فصلنامه آبادی، دوره نوزدهم، شماره سی‌ام، صص ۳۵-۳۶.
۵۶. لطفی، حیدر و همکاران (۱۳۸۸) مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم. شماره اول، زمستان.
۵۷. مؤتمنی طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۵) حقوق اداری، جلد دوازدهم، انتشارات سمت، تهران.
۵۸. ماری، گای (۱۳۸۸) شهروند در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، نشر و پژوهش فریان روز، چاپ اول.
۵۹. مشهدی، ع، (۱۳۹۱) اصول و معیارهای کنترل قضایی